# هر کس بر سوگندی در حالی که در آن دروغگوست، قسم بخورد تا با آن مال مرد مسلمانی را پایمال کند، الله را در حالی ملاقات خواهد کرد که بر او خشمگین است

از عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه روایت است که گفت: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: «مَنْ حَلَفَ عَلَى يَمِينٍ وَهُوَ فِيهَا فَاجِرٌ لِيَقْتَطِعَ بِهَا مَالَ امْرِئٍ مُسْلِمٍ، لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضْبَانُ». قَالَ: فَقَالَ الْأَشْعَثُ: فِيَّ وَاللَّهِ كَانَ ذَلِكَ؛ كَانَ بَيْنِي وَبَيْنَ رَجُلٍ مِنَ الْيَهُودِ أَرْضٌ، فَجَحَدَنِي، فَقَدَّمْتُهُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَلَكَ بَيِّنَةٌ؟» قُلْتُ: لَا. قَالَ: فَقَالَ لِلْيَهُودِيِّ: «احْلِفْ». قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِذَنْ يَحْلِفَ وَيَذْهَبَ بِمَالِي. فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: {إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا}. إِلَى آخِرِ الْآيَةِ. یعنی: «هر کس بر سوگندی در حالی که در آن دروغگوست، قسم بخورد تا با آن مال مرد مسلمانی را پایمال کند، الله را در حالی ملاقات خواهد کرد که بر او خشمگین است». [راوی] گفت: پس اشعث گفت: به خدا سوگند این دربارهٔ من بود؛ میان من و مردی از یهود، زمینی بود و او [مالکیت] مرا انکار کرد. پس او را نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم بردم. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم به من فرمودند: «آیا دلیلی داری؟». گفتم: نه. [راوی] گفت: پس به آن یهودی فرمودند: «قسم بخور». [اشعث] گفت: من گفتم: ای رسول خدا، در این صورت او قسم می‌خورد و مال مرا می‌برد. پس خداوند متعال [این آیه را] نازل کرد: {إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا} (همانا کسانی که پیمان خدا و سوگندهایشان را به بهایی اندک می‌فروشند) تا آخر آیه.

[صحیح است] [بخاری و مسلم در روایت آن اتفاق دارند]

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم دربارهٔ سوگند خوردن به خدا درحالی‌که سوگندخورنده می‌داند در آن دروغگوست، تا با این سوگند مال دیگری را تصاحب کند، هشدار داده‌اند؛ که [جزای او این است که] خدا را در حالی ملاقات خواهد کرد که بر او خشمگین است. پس اشعث بن قیس رضی‌الله‌عنه خبر داد که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم این را زمانی فرمودند که میان او و مردی از یهود بر سر مالکیت زمینی اختلافی بود. پس برای داوری نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم رفتند و ایشان به اشعث فرمودند: تو باید دلیل بیاوری تا آنچه ادعا می‌کنی برایت ثابت شود، و اگر از آن عاجز بودی، برای تو جز سوگندِ طرف مقابلت که ادعا علیه اوست، چیزی نیست. پس اشعث گفت: ای رسول خدا، در این صورت آن مرد یهودی بدون پروا قسم می‌خورد و مال مرا می‌برد. پس خداوند متعال در تأیید آن، این سخن خود را در قرآن نازل کرد: {إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ} (همانا کسانی که می‌فروشند) و جایگزین می‌کنند {بِعَهْدِ اللَّهِ} (پیمان الله را)، و آن وصیت او به مؤمنان برای ادای امانت است {وَأَيْمَانِهِمْ} (و سوگندهایشان را) و قسم خوردنشان به نام او به دروغ {ثَمَنًا قَلِيلًا} (به بهایی اندک) از کالای بی‌ارزش دنیا {أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ} (آنان در آخرت هیچ بهره و نصیبی ندارند) {وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ} (و الله با آنان سخن نمی‌گوید)، سخنی که شادمانشان کند و سودشان رساند، بلکه بر آنان خشم گرفته است، {وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ} (و در روز قیامت به آنان نگاه نمی‌کند)، نگاه رحمت و احسان، {وَلَا يُزَكِّيهِمْ} (و آنان را پاک نمی‌گرداند) با ثنای جمیل، و با آمرزش از گناهان و پلیدی‌ها پاکشان نمی‌کند {وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ} (و برای آنان عذابی دردناک است) و دردآور به سبب آنچه مرتکب شده‌اند.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/2980